

مختصات یک اپوزیسیون مردمی

ر. راسخ

اپوزیسیون مردمی باید خود را در ارتباط ارگانیک با مردم تعریف کند. این اپوزیسیون نباید جلو تر از توده‌ها حرکت کند و نه عقب تر و نه به دنبال توده‌ها در حرکت باشد؛ بلکه باید با بهره‌گیری از تجربیات و مبارزات روزمره و تجزیه و تحلیل شرایط منطقه‌ای و جهانی، دید واقع‌بینانه‌ای نسبت به مقوله‌های دور اطراف و حوادث احتمالی آینده داشته باشد.

این اپوزیسیون باید از تمام نیروی خودش بهره‌بگیرد که بین جنبش‌های مستقل مردمی که به خیابانها آمده‌اند هماهنگی ایجاد کند و با دید خودمختوری به این حرکت‌های پویانده برخورد نکند؛ چرا که هر چقدر مردم در حرکت‌های خود، سازمان یافته‌تر عمل کنند و سازمان‌ها، گروه‌ها و اتحادیه‌ی خودشان را بسازند، علاوه بر ذینفع بودن گروه‌های انقلابی در این حرکت‌ها، خلا سیاسی در صورت انهدام و سرنگونی رژیم حاکم بوسیله گرایشهای اقتدارگرا و سرکوبگر بر نخواهد شد.

هر گروهی که نام خود را اپوزیسیون گذاشته‌اند اگر بخواهد این محور را دور زده و خود را قیم مردم جا بزند، در کوتاه یا دراز مدت به گروه‌های گوشه‌ای جامعه یا سکت‌های مذهبی تبدیل خواهد شد که «قدرت‌گرایی» را در راس اهداف خود قرار می‌دهد. در نفس این تاکتیک مبارزاتی نیز هیچ‌گونه صداقتی نیست چرا که قدرت‌گرا مفهوم آزادی را از ظن خویش به سخره گرفته و از کاریکاتور آن مفهوم استفاده می‌کند.

وقتی که اپوزیسیون به نقطه گسست از ارتباط‌گیری به توده‌ها رسید، وقتی که به جای یک نیروی بنیادکن، تبدیل به یک نیروی بازدارنده شد، آنجاست که قانقاریای ذهن از بالا تا پایین اپوزیسیون مربوطه را در بر گرفته و آنرا تبدیل به یک «کاست» با فلسفه و فرهنگ شبان‌رمه‌ای خواهد نمود. در مقابل اپوزیسیون اینچنینی، مخالفت و نقد کفر و مستجب مرگ است. این جاست که اپوزیسیونی که می‌توانست در عرصه و آزمایشگاه زندگی و مبارزه ماهیت حقیقت را دگرگون کند از جان شدن باز می‌ماند و نابود می‌شود.

در این جا این سوال پیش می‌آید که آیا این گونه اپوزیسیون‌ها قادرند که با پافشاری بر «خود بزرگ‌بینی» و «خودمختوری» ایشان، آزادی را برای مردم به ارمغان بیاورند؟ آیا این اپوزیسیون‌ها قادرند که راهنمایی مردم باشند؟ جواب کوتاه سخنی بیش نیست:

راهنمایی کی توانی ای که ره را خود ندانی

تا زمانی که این اپوزیسیون‌ها نبض زمانشان را در دست نگرفته‌اند، یعنی ارتباط ارگانیک با مردم را برقرار نکرده‌اند، هر روز کنار و کنارتر می‌رود و حتا اگر شرایط یک فضای

آزاد سیاسی مهیا شود، نمی تواند از فرصتهای بدست آمده، کمال استفاده را در راستای احقاق حقوق از دست رفته ی مردم از خود نشان دهد.

البته با وجود به قهقرا رفتن این گونه اپوزیسیون ها، مبارزات مردم با ساختار دیکتاتوری، لحظه به لحظه در حال جریان بوده و در حقیقت به قول «لنین» سابقه مبارزه، تودهها را یاد می دهد که خودشان بخاطر تحولات در سرنوشتشان مبارزه کنند.

۲ سپتامبر ۲۰۰۲